

درس هفتم
کار نیک
فصل سوم





در زمان های دور، فرمانروایی زندگی می کرد که خیلی دوست داشت از حال همه ی مردم، باخبر باشد. برای همین، یک روز تصمیم گرفت به شهرهای مختلف برود و زندگی مردم را از نزدیک ببیند.

لباسی معمولی پوشید تا کسی او را نشناسد. آن وقت به راه افتاد و رفت و رفت تا به روستایی رسید. روستا، سرسبز و پر از درختان میوه بود.

گفت: «به به! عجب روستایی! چه میوه هایی! چه جای باصفایی!»

همان طور که درخت ها و سبزه ها را نگاه می کرد، از دور پیرمردی را دید که روی زمین، کار می کند. جلوتر رفت. دید پیرمرد در حال کاشتن گود است.

پیرمرد با دقت، گودالی در زمین می کند. دانه ی گودو را در گودال می گذاشت و روی آن را با خاک نرم، می پوشاند.

اندر آن دشت، پیرمردی دید
دانه‌ی جوزه در زمین می‌کاشت
که گذشته است عمر او، ز نود
که به فصل بهار، سبز شود



فرمانروا مدتی آنجا ایستاد و کار کردن پیرمرد را نگاه کرد. سپس، با تعجب، از او پرسید: «از این همه کار، خسته نمی شوی؟ این کارها، کار جوانان است. تازه، چند سال طول می کشد تا درخت گردد، بزرگ شود و میوه بدهد و آن وقت هم که معلوم نیست، تو زنده باشی!»

جوز، ده سال عمر می خواهد که قوی گردد و به بار آید

پیرمرد به بیلش تکیه داد و گفت: «بله. شما درست می گوید. چند سال طول می کشد که این درختان میوه بدهند و شاید هم آن زمان، من زنده نباشم.»
فرمانروا گفت: «آیا تو از این موضوع، ناراحت نیستی؟»
پیرمرد گفت: «چرا ناراحت باشم؟»

دیگران کاشتند و ما خوردیم ما بکاریم و دیگران بخورند

فرمانروا با شنیدن این جمله، به پیرمرد آفرین گفت و به فکر فرو رفت.



درست و نادرست

- ۱ پیرمرد از اینکه ممکن بود تا زمان میوه دادنِ درخت‌هایش، زنده نباشد، ناراحت بود.
- ۲ فرمانروا برای تفریح به شهرهای مختلف می‌رفت.



درست و نادرست

- ۱ پیرمرد از اینکه ممکن بود تا زمان میوه دادنِ درخت‌هایش، زنده نباشد، ناراحت بود. ❌
- ۲ فرمانروا برای تفریح به شهرهای مختلف می‌رفت. ❌



درک مطلب

۱ فرمانروا با شنیدن کدام جمله‌ی پیرمرد به فکر فرو رفت؟ چرا؟

۲ تاکنون چه کار نیکی انجام داده‌ای که به نفع دیگران بوده است؟

۳



درک مطلب

۱ فرمانروا با شنیدن کدام جمله‌ی پیرمرد به فکر فرو رفت؟ چرا؟

دیگران کاشتند و ما خوردیم ما بکاریم و دیگران بخورند

۲ تاکنون چه کار نیکی انجام داده‌ای که به نفع دیگران بوده است؟

۳

..... + سر

سر + کلمه باعث می شود،
کلمه معنای جدیدی پیدا کند.

واژه آموزی





«خرس کوچولو آن روز، خیلی سرحال بود. او مشغول بازی در جنگل زیبا و سرسبز بود که صدایی شنید. وقتی جلوتر رفت، خرگوش کوچکی را دید که دستمالی را مانند سربند، به سر بسته بود. انگار سردرد داشت. خرس کوچولو به او کمک کرد تا نزد هُدهُدِ دانا برود. او از این کار احساس نشاط و سربلندی می کرد.»

کدام کلمه ها، توجه تو را جلب کرد؟ آن ها را بگو. اکنون درباره ی معنای آن ها با دوستانت گفت و گو کن.

«خرس کوچولو آن روز، خیلی سرحال بود. او مشغول بازی در جنگل زیبا و سرسبز بود که صدایی شنید. وقتی جلوتر رفت، خرگوش کوچکی را دید که دستمالی را مانند سربند، به سر بسته بود. انگار سردرد داشت. خرس کوچولو به او کمک کرد تا نزد هدهد دانا برود. او از این کار احساس نشاط و سربلندی می کرد.»

کدام کلمه‌ها، توجه تو را جلب کرد؟ آن‌ها را بگو. اکنون درباره‌ی معنای آن‌ها با دوستانت گفت‌وگو کن.

سر بلند

افتخار آفرین

سر درد

دردی که در سر
وجود دارد.

سر حال

شاد، با نشاط

سر سبز

جایی که پر از گل
و گیاه است.

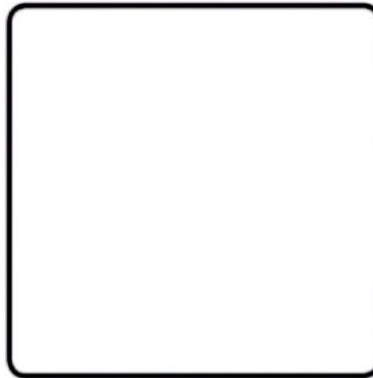
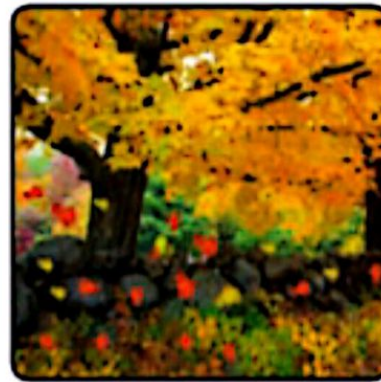


سر بند

دستمالی که به
سر می بندند.

نگاه کن و بگو

به تصویرها با دقت نگاه کن. موضوع آن‌ها چیست؟ حالا یکی از تصویرها را انتخاب کن و درباره‌ی آن صحبت کن.



زمان آینه

اتفاقی که بعداً می افتد.
کاری که بعداً انجام می شود.



پیاموز و بگو



حال

من امسال 9 سال دارم

گذشته

من پارسال 8 سال داشتم.

آینده

من سال آینده 10 ساله خواهم بود.

بیاموز و بگو



نَهِال سیب با خود فکر می کرد: «وقتی بزرگ بشوم، از سیب‌هایم به بچه‌ها خواهم داد و شادی آن‌ها را تماشا خواهم کرد و از خدا به خاطر مهربانی‌هایش تشکر خواهم کرد.» همان‌طور که دیدی، فکرهای نَهِال سیب، مربوط به آینده بود. حالا تو بگو در آینده، چگونه به دیگران خدمت خواهی کرد.

زمان آینده

بیاموز و بگو



نَهِال سیب با خود فکر می کرد: «وقتی بزرگ بشوم، از سیب هایم به بچه ها خواهم داد و شادی آن ها را تماشا خواهم کرد و از خدا به خاطر مهربانی هایش تشکر خواهم کرد.»
همان طور که دیدی، فکرهای نَهِال سیب، مربوط به آینده بود. حالا تو بگو در آینده، چگونه به دیگران خدمت خواهی کرد.

• علی دیروز با پدرش به مسجد رفت.

..... ←

آینده ←

.....

• مریم فردا به مدرسه خواهد رفت.

..... ←

گذشته ←

.....

• من امروز تکالیفم را انجام دادم.

..... ←

آینده ←

.....

• پارسال من به سن تکلیف رسیدم.

..... ←

حال ←

.....